■شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۵ ■ ۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ ■ ۱۴ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۶ ■ قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper



۲

هشدار خیرخواهانه به دولت؛

معاون پزشکیان دوباره حاشیه‌سازی را شروع کرد

سقاب و تکرار بازی با اعصاب مردم

اظهارات جنجالی سقاب اصفهانی درباره جمع کردن کارت سوخت جایگاه‌ها، بار دیگر ضرورت نظارت بر اظهارنظرهای مسئولان دولتی را برجسته کرده است. تجربه اظهارات قبلی سقاب‌اصفهانی درباره وضعیت بنزین نشان داد که سخنان نسنجیده یک مقام دولتی می‌تواند به‌جای حل مسئله، به نگرانی عمومی، التهاب بازار و ایجاد بحران در زندگی روزمره مردم منجر شود.

شعار سراسری انتقام

در مراسم تشییع پیکر ۳۵۰ شهید گمنام



پیکر مطهر ۳۵۰ شهید گمنام دوران دفاع مقدس در سالروز شهادت حضرت زهرا(س) در کشور تشییع شد.

مراسم وداع و تشییع پیکرهای مطهر ۳۵۰ شهید والامقام گمنام دفاع مقدس از صبح جمعه در اقصی نقاط کشور برگزار شد. پیکرهای مطهر شهدا از سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) تا سالروز وفات حضرت ام‌البنین(س) در محل‌های از پیش تعیین‌شده و آماده‌شده به خاک سپرده خواهند شد. شعار مردم در سراسر کشور، انتقام خون قائد شهید بود.

یادداشت

چه ضوابطی باید در پرداخت‌های بین بانکی حاکم باشد؟



محمد امین لنگری
استاد دانشگاه امام حسین(ع)

در طول روز در اثر پرداخت‌های بین بانکی سپرده‌گذاران، بانک‌ها به یکدیگر بدهکار یا از هم طلبکار می‌شوند. در ساعت ۲۴ هر شب مجموعه بدهی و مطالبات هر بانک از سایر بانک‌ها محاسبه می‌شود و توسط اتاق پایاپای بانک مرکزی تسویه می‌شود. به این ترتیب هر بانکی به صورت خالص یا به اتاق پایاپای بدهکار است و یا طلبکار. بانک‌ها می‌توانند برای پرداخت بدهی خود به اتاق پایاپای از یکدیگر قرض بگیرند ولی چون بهره قرض حرام است نمی‌توانند سودی پرداخت کنند. در نتیجه برای پرداخت و دریافت‌های انتفاعی باید از قالب‌های مجاز استفاده کنند.

پرداخت‌های انتفاعی مجاز بین بانکی معمولاً دو نوع هستند:

۱. سپرده‌گذاری سرمایه‌گذاری بانک الف در بانک ب

۲. خرید تسهیلات پرداخت‌شده توسط بانک ب که توسط بانک الف انجام می‌شود.

در حالت اول از آنجا که بانک ب وکیل بانک الف است، سود سپرده باید متناسب با سود سرمایه‌گذاری‌ها یا تسهیلاتی باشد که با آن سپرده‌ها در آینده انجام می‌شود. در این حالت تعیین دستوری نرخ سود سپرده عملاً موجب بروز ربا می‌شود و جایز نیست. در حالت دوم نیز سود بانک الف متناسب با درصد تنزیل قیمت فروش تسهیلاتی است که ماهیت بدهی یا دارایی دارد.

البته اگر بر اساس روایت امام رضا علیه‌السلام خرید بدهی با بهای کمتر از مبلغ بدهی را موجب اسقاط حق دریافت کل مبلغ بدهی بدانیم، امکان پرداخت انتفاعی بین بانکی از طریق تنزیل خرید تسهیلات با ماهیت بدهی نخواهد بود.

هر قدر تسهیلات پرداخت‌شده توسط بانک ب با قیمت کمتری خریداری شود، سود بانک الف بیشتر خواهد بود ولی اگر این سود از نرخ سود تسهیلات بیشتر باشد به بهای زیان بانک ب تمام خواهد شد. از این رو عملاً نرخ تنزیل خرید تسهیلات نباید از نرخ سود تسهیلات بیشتر باشد تا منجر به زیان بانک فروشنده تسهیلات نشود. پرداخت سود بین بانکی در قالب‌های غیرمجاز ربا و حرام است و در قالب مجاز سپرده‌گذاری باید به تناسب سود تسهیلات یا سرمایه‌گذاری باشد که با آن سپرده انجام شده و در قالب مجاز خرید تسهیلات با ماهیت دارایی و سایر دارایی‌های بانک نیز تعیین نرخ‌های تنزیل بالاتر از سود تسهیلات و سود سرمایه‌گذاری‌ها موجب زیان بانک دریافت‌کننده شده و در بلندمدت موجب ناترازی و مشکلات در نظام بانکی می‌گردد.

از این رو بانک مرکزی حق ندارد نرخی بیشتر از نرخ بازدهی تسهیلات را برای پرداخت‌های بین بانکی تعیین نماید.



۲

تأکید مجلس خبرگان بر بازنگری در دکترین دفاعی



مجلس خبرگان رهبری با صدور بیانیه‌ای، ضمن قدردانی از ۸ ماه حضور ارزشمند مردم در میادین و خیابان‌های ایران اسلامی و حفظ اتحاد مقدس، به موضوعات مهم جاری کشور از جمله مسائل فرهنگی به ویژه عفاف و حجاب، وضعیت اقتصاد و معیشت، مطالبه عمومی خروج از **NPT** و بازنگری در دکترین دفاعی کشور و نیز استمرار مقاومت در میدان و دیپلماسی عزتمندانه به عنوان اصلی ضروری تأکید کرد و احکام ظالمانه دادگاه‌های برخی کشورهای منطقه علیه علما را محکوم کرد.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
■ شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۶



پیشنهاد ۳۵ درصدی دولت برای افزایش حقوق ناکافی است

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: پیشنهاد ۳۵ درصدی دولت برای افزایش حقوق، نه‌تنها ناکافی است بلکه تاثیری در افزایش قدرت خرید مردم نخواهد داشت.

غلامحسین زارعی، دبیر اول کمیسیون اقتصادی مجلس، در واکنش به خبر مربوط به لایحه بودجه سال آینده و پیشنهاد دولت مبنی بر افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارکنان و بازنشستگان، این رقم را با نیازهای واقعی معیشتی مردم دارای فاصله زیادی دانست و خواستار توجه بیشتر دولت به واقعیت‌های اقتصادی و معیشتی و به‌ویژه شاخص‌های کلان اقتصادی در ایجاد تناسب منطقی بین قدرت خرید مردم و تورم لجام‌گسیخته در شرایط کنونی کشور شد.

زارعی در این رابطه اظهار داشت: «رقم ۳۵ درصد در برابر نرخ واقعی تورم و فشار اقتصادی بر سفره‌های مردم، بسیار ناچیز و ناکافی است و هرگز نمی‌تواند منجر به بهبود کیفیت زندگی شهروندان شود. اما نکته تکان‌دهنده این است که حتی همین افزایش اندک نیز اگر بدون یک برنامه جامع برای مهار تورم و نظارت سخت‌گیرانه بر بازار باشد، در کوتاه‌ترین زمان توسط تورم در حال افزایش خنثی خواهد شد.»

وی تأکید کرد که دولت باید به جای ارائه ارقامی نمادین و ناکافی، ابتدا ثبات قیمت‌ها را تضمین کند و سپس افزایشی «واقعی، چشمگیر و متناسب با هزینه‌های زندگی» را پیش‌بینی نماید تا حقوق مردم نه تنها روی کاغذ، بلکه در قدرت خرید واقعی آن‌ها احساس شود.



هشدار به دولت؛ معاون پزشکیان دوباره حاشیه‌سازی را شروع کرد

سقاب و تکراربازی با اعصاب مردم

گزارش

اظهارات جنجالی سقاب اصفهانی درباره جمع کردن کارت سوخت جایگاه‌ها، بار دیگر ضرورت نظارت بر اظهارنظرهای مسئولان دولتی را برجسته کرده است.

تجربه اظهارات قبلی سقاب اصفهانی درباره وضعیت بنزین نشان داد که سخنان نسنجیده یک مقام دولتی می‌تواند به‌جای حل مسئله، به نگرانی عمومی، التهاب بازار و ایجاد بحران در زندگی روزمره مردم منجر شود. روز پنجشنبه ۲۱ آبان، اسماعیل سقاب اصفهانی درباره بنزین اعلام کرد که مردم دیگر نمی‌توانند مانند گذشته روی کارت‌های سوخت جایگاه‌ها حساب کنند و باید برای سفرهای خود برنامه‌ریزی داشته باشند. او از حذف کارت جایگاه در آینده خبر داد و تأکید کرد که واقعاً در تأمین سوخت با مشکل مواجه هستیم. پیش‌تر دولت اعلام کرده بود که به‌جز سخنگوی دولت و شرکت پالایش و پخش هیچ مقام دیگری از دولتمردان اجازه اظهارنظر درباره مسئله بنزین را ندارد. اظهارات سقاب با موجی از واکنش‌ها در فضای رسانه هم مواجه شد. اما ماجرا زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که به سابقه اظهارنظرهای او درباره بنزین بازگردیم. سقاب اصفهانی در اواخر تابستان امسال با طرح ادعای کمبود شدید بنزین و این مضمون که کشور دیگر بنزین کافی در اختیار ندارد، عملاً به نگرانی عمومی درباره تأمین سوخت دامن زد. انتشار این اظهارات و طرح موضوع کمبود بنزین، موجی از نگرانی در میان مردم ایجاد کرد و برای حدود دو هفته جایگاه‌های سوخت در نقاط مختلف کشور با صف‌های سنگین و ازدحام خودروها مواجه شدند؛ وضعیتی که کشور را تا آستانه یک بحران در تأمین و توزیع سوخت پیش برد.

اکنون نیز انتشار خبر اظهارات بدون هماهنگی و خارج از چارچوب این معاون پزشکیان درباره بنزین، بار دیگر این نگرانی را ایجاد کرده است که به‌جای تمرکز بر حل مشکلات و مدیریت کارشناسی حوزه انرژی، حاشیه‌سازی و طرح مباحث التهاب‌آفرین در دستور کار قرار گرفته باشد.

نکته قابل تأمل آن است که موضوع بنزین به دلیل ارتباط مستقیم با معیشت مردم، حمل‌ونقل و قیمت تمام‌شده کالاها، از حساسیت اجتماعی بالایی برخوردار است و هرگونه اظهارنظر غیرمسئولانه درباره آن می‌تواند انتظارات تورمی و نگرانی عمومی را تشدید کند.

دولت باید پیش از تکرار تجربه پرهزینه تابستان، درباره نحوه اظهارنظر سقاب اصفهانی تعیین تکلیف کند. نمی‌توان از یک مقام دولتی انتظار داشت در موضوعی با این میزان حساسیت، هر روز با طرح یک سناریو یا بیان یک ادعای تازه فضای جامعه را ملتهب کند و سپس مسئولیت تبعات آن را به گردن دیگران بیندازد.

مسئله امروز کشور کمبود حاشیه نیست؛ مردم از دولت انتظار دارند به‌جای اظهارنظرهای جنجالی، برای حل مشکلات انرژی و تأمین پایدار سوخت برنامه عملی ارائه کند. اگر قرار باشد هر بار با اظهارات یک مسئول، آرامش بازار و زندگی مردم تحت تأثیر قرار بگیرد، چه کسی پاسخگوی هزینه‌های این حاشیه‌سازی‌ها خواهد بود؟



افزایش ۳۵ درصدی حقوق در برابر تورم فزآینده ناچیز است

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با انتقاد از پیشنهاد افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارکنان در لایحه بودجه ۱۴۰۶ تأکید کرد که این میزان در برابر تورم فزآینده و فشار معیشتی سنگین خانوارها، عملاً قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد و باید سیاست‌گذاری دستمزد متناسب با نرخ واقعی تورم اصلاح شود.

زهرا خدادادی با اشاره به آمار رسمی تورم اعلام‌شده از سوی مراجع آماری کشور اظهار داشت که هرگونه افزایش حقوق باید بر پایه نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه و میانگین سالانه محاسبه شود، نه بر اساس برآوردهای خوش‌بینانه.

وی افزود: وقتی تورم اعلامی از مرز افزایش مصوب حقوق فراتر می‌رود، خانوارها در عمل با کاهش درآمد حقیقی روبه‌رو می‌شوند و این موضوع در سفره اقشار ضعیف و متوسط بیشترین اثر را می‌گذارد.

وی با تأکید بر اینکه پیشنهاد افزایش ۳۵ درصدی در برابر تورم فزاینده ناچیز است، افزود: «نمی‌توان از یک سو از مهار تورم سخن گفت و از سوی دیگر حقوق بگیران را با افزایشی مواجه کرد که حتی هزینه‌های ضروری ماهانه آن‌ها را پوشش نمی‌دهد.»

این نماینده مجلس خاطرنشان کرد که کارکنان دولت، معلمان، پرستاران و بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری، بیشترین فشار را در بازار کالاهای اساسی و مسکن تحمل می‌کنند و انتظار دارند مصوبات مجلس و دولت واقعیت معیشت آن‌ها را لحاظ کند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس همچنین به ضرورت بازنگری در سازوکار تعیین حداقل دستمزد اشاره کرد و گفت: «شورای عالی کار نیز در افزایش حقوق کارگران باید با شفافیت کامل، نرخ تورم رسمی، سبد معیشت خانوار و توان بنگاه‌ها را هم‌زمان در نظر بگیرد. افزایش حقوق بدون توجه به تورم، تنها یک عدد روی کاغذ است و نمی‌تواند التهاب معیشتی را کاهش دهد.»

وی افزود: برخی مصوبات سال‌های گذشته نشان داده است که فاصله گرفتن دستمزد از تورم، به گسترش فقر و افزایش مهاجرت نیروی کار ماهر دامن زده است.

این نماینده مجلس با اشاره به نقدینگی و کسری بودجه به عنوان ریشه‌های ساختاری تورم، اظهار داشت که درمان قطعی مسئله معیشت، تنها با افزایش سالانه حقوق ممکن نیست و باید سیاست‌های پولی، مالی و ارزی هماهنگ شوند.

به گفته وی، کنترل رشد نقدینگی، مدیریت بازار ارز، کاهش کسری بودجه و حمایت هدفمند از تولید، پیش‌شرط‌های لازم برای حفظ قدرت خرید مردم هستند و در غیر این صورت هر افزایش حقوقی با تأخیر کوتاه‌مدت توسط تورم بلعیده می‌شود.

خدادادی در ادامه بر لزوم حمایت هدفمند از اقشار کم‌درآمد تأکید کرد و گفت: «افزایش عمومی حقوق باید با بسته جبرانی برای دهک‌های پایین درآمدی همراه شود. یارانه نقدی، اعتبار خرید کالاهای اساسی و کنترل قیمت مسکن و اجاره‌بها می‌تواند بخشی از فشار تورمی را جبران کند.»

این نماینده مجلس افزود که مجلس آمادگی دارد در قالب طرح‌های نظارتی و اصلاح قوانین، دولت را ملزم کند گزارش فصلی از اثر تورم بر قدرت خرید خانوارها ارائه دهد و مصوبات دستمزدی را با آن تطبیق دهد.

خدادادی در پایان با اشاره به انتظارات عمومی از نمایندگان، خاطرنشان کرد که پیگیری حقوق کارکنان و بازنشستگان یک مطالبه جدی و مردمی است و نباید به وعده‌های سالانه محدود شود. مجلس در بودجه سال آینده از پیشنهادهایی حمایت خواهد کرد که افزایش حقوق را متناسب با تورم واقعی، شفاف و قابل نظارت تعیین کنند و از تصویب اعدادی که فاصله آن‌ها با زندگی واقعی مردم روشن نیست، پرهیز کند.

تأکید مجلس خبرگان بر بازنگری در دکترین دفاعی کشور



مجلس خبرگان رهبری با صدور بیانیه‌ای، ضمن قدردانی از ۸ ماه حضور ارزشمند مردم در میادین و خیابان‌های ایران اسلامی و حفظ اتحاد مقدس، به موضوعات مهم جاری کشور از جمله مسائل فرهنگی به ویژه عفاف و حجاب، وضعیت اقتصاد و معیشت، مطالبه عمومی خروج از NPT و بازنگری در دکترین دفاعی کشور و نیز استمرار مقاومت در میدان و دیپلماسی عزتمندانه به عنوان اصلی ضروری تأکید کرد و احکام ظالمانه دادگاه‌های برخی کشورهای منطقه علیه علما را محکوم کرد.

متن این بیانیه به شرح زیر است:

باسمه تعالی

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

مردم عزیز و انقلابی ایران اسلامی

سلام و رحمت خداوند بر شما

با سلام و درود به روح مطهر امام راحل و امام شهید (رضوان الله علیهما) و ارواح مطهر شهیدان عزیز انقلاب اسلامی و مقاومت اسلامی و آرزوی طول عمر با عزت برای رهبر عزیز انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله العالی) و پیروزی نهایی رزمندگان و قوای مسلح قهرمان اینک و پس از هشت ماه حضور هوشیارانه و دشمن‌شکن مردم رشید در میدان و خیابان و مقاومت خیره‌کننده نیروهای مسلح فداکار در صحنه نبرد، نکاتی را جهت استحضار شما تقدیم می‌کنیم:

۱. شهادت جانسوز حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (علیها السلام) را به پیشگاه حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا فداه) و به شما ملت شریف و محب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) تسلیت می‌گوییم. لازم است ضمن عزاداری شایسته، شأن آن بانوی عظیم‌الشأن، با توسل به نور چشم پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) حضور در تجمعات و اتحاد مقدس هرچه باشکوه‌تر و منسجم‌تر ادامه یابد و روحانیت عزیز به ویژه مبلغان و خطیبان معزز با تأسی به آن بانوی گرامی با جهاد تبیین و بلاغ مبین مردم مبعوث را با سیره ایشان در دفاع از ولایت و مبارزه با ظلم و دفاع از مظلومان عالم بیشتر آشنا سازند.

۲. بی‌شک پیروزی‌های چشمگیر ایران اسلامی و ناکامی دشمنان متجاوز و پایان دادن به افسانه شکست‌ناپذیری آمریکای مستکبر بیش از هر چیز مرهون حضور و مقاومت و فداکاری شما مردم مبعوث و انسجام و اتحاد حول پرچم ایران سربلند و رهنمودهای رهبر حکیم و شجاع ما بوده است. و همچنانکه رهبر عزیز ما بیان فرمودند «هرگاه جبهه حق، توکل و استقامت و فداکاری داشته باشد جبهه باطل با هر قدرت و توان در برابر آن تاب نخواهد آورد».

۳. از آنجا که مردم، ستون اصلی قدرت ملی محسوب می‌شوند تلاش در جهت خدمت به این مردم و رفع مشکلات آنان به‌ویژه مشکلات معیشتی و اقتصادی مهم‌ترین مأموریت مسئولان خدمتگزار است. دشمن برای شکستن تاب‌آوری کشور به جنگ اقتصادی دل بسته است و تلاش مذبوحانه برای محاصره هوایی و زمینی کشور و آسیب زدن به شریان‌های اقتصادی، بخشی از این راهبرد است. بحمدالله با مجاهدت مستمر مسئولان گرامی، تاکنون تلاش دشمنان در این میدان نیز با شکست مواجه شده.

در چنین شرایطی شکل‌گیری ستاد اقتصاد جنگ با مشارکت قوای مختلف و اشراف و نظارت عالیه نهاد رهبری می‌تواند بیش از پیش به استحکام خط دفاعی کشور و شکل‌گیری آرایش جنگی در این عرصه مهم کمک کند.

۴. تهدیدهای مکرر دشمن متجاوز به ویژه تهدید نسبت به دانش هسته‌ای کشور گویای آن است که نمی‌توان امیدی به نهادهای بین‌المللی مسئول در این زمینه داشت. لذا بررسی موضوع خروج از NPT و بازنگری در دکترین دفاعی کشور و ایجاد بازدارندگی لازم ضرورتی اجتناب‌ناپذیر شده و به مطالبه‌ای عمومی و ملی تبدیل گردیده؛ امید است که مسئولان محترم با بهره‌گیری از هدایت‌های حکیمانه رهبری عزیز به این مطالبه توجه نمایند.

۵. در صورتی که دشمنان ناکام، قصد امتحان مجدد بخت سیاه خود را داشته باشند و حمله دیگری را آغاز کنند همچنانکه رهبر حکیم و عزیز انقلاب بیان فرموده‌اند قطعاً با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی نیروهای قهرمان ما مواجه خواهند شد. دستگاه سیاست خارجی کشور نیز بایستی در همین مسیر گام بردارد و زبان گویای مقاومت و ایستادگی کشور باشد و پیام روشن و قاطع ایران اسلامی را به همه به ویژه همسایگان برساند. همسایگان ما هم باید بدانند که امنیت این منطقه صرفاً به دست مردم منطقه قابل تأمین است و حضور بیگانگانی که از هزاران کیلومتر دورتر به اینجا آمده‌اند نه تنها کمکی به امنیت منطقه نمی‌کند، بلکه منشأ و علت اصلی ناامنی‌ها حضور همین اجانب و راه‌حل اصلی این بحران هم خروج این دشمنانِ دوست‌نما از منطقه است.

۶. مطابق بیان ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی که بیان فرمودند «اگر کسانی هستند که تصور می‌کنند با امتیاز دادن به آمریکا می‌توان او را از دشمنی با ملت ایران منصرف کرد سخت در اشتباهند» و «کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایه عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملت به دست آمده بر باد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد» از مسئولان خدمتگزار انتظار می‌رود در کنار نیروهای مسلح قهرمان و مردم مؤمن و فداکار، ذره‌ای از پیگیری مطالبات و حقوق ملت ایران عقب‌نشینی نکنند و اطمینان داشته باشند که در این راه از حمایت ملتِ مجاهد و عنایت الهی برخوردار خواهند بود.

۷. پیروزی‌های چشمگیر مجاهدان شجاع یمن و مقاومت تحسین‌برانگیز رزمندگان عزیز لبنان و همراهی دیگر اضلاع جبهه مقاومت نشان داد که راهبرد وحدتِ ساحات، راهبردی کارآمد و مؤثر است و حمایت مستمر از همسنگران عزیز در جبهه مقاومت بایستی از اولویت‌های مهمی باشد که به هیچ وجه دستخوش فراموشی و غفلت نشود.

۸. هجوم فرهنگی دشمن و ترویج و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی به ویژه در حوزه عفاف و حجاب نشان‌دهنده نقشه شوم دشمنان برای فروپاشی درونی جامعه اسلامی است و ضرورت صیانت بیشتر از سلامت فرهنگی و فضای پاک و معنوی این کشور مقدس را یادآور می‌شود. انتظار مردمِ مسلمان و شهید داده این است که چنانکه خاک این سرزمین با خون مطهر هزاران شهید صیانت شده است، فضای فرهنگی آن هم باید از هجوم دشمنان بداندیش حراست شود. مجدداً از دستگاه‌های مسئول تقاضا داریم که بیش از گذشته به این مطالبه مردم عزیز توجه داشته باشند و به وظیفه الهی و قانونی خود عمل کنند.

۹. شرایط بحرانی کشورهای اروپایی و اعتراضات گسترده‌ای که این روزها در خیابان‌های این کشورها دیده می‌شود و همچنین شکست سنگین جنگ‌طلبان متجاوز در انتخابات آمریکا و رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که شراکت با متجاوزان چه پیامدهایی برای آنان داشته و خواهد داشت. امیدواریم که این بیداری و خودآگاهی مردمی موجب تنبه مسئولان این کشورها شده و دست از پیروی و حمایت از رژیم مستکبر آمریکا و رژیم جعلی و کودک‌کش صهیونیستی بردارند.

۱۰. احکام ظالمانه دادگاه‌های برخی کشورهای منطقه علیه مردم و به‌ویژه جوانان و علمای این کشورها قلوب مسلمانان را جریحه‌دار کرده و خشم آنان را برانگیخته است مجلس خبرگان رهبری این اقدام شرم‌آور و ظالمانه که تعرض آشکار به حقوق مذهبی مسلمانان و کرامت انسانی و جایگاه رفیع علمای دین است را به شدت محکوم می‌کند و از حکام این کشورها می‌خواهد از سرنوشت ظالمان و مستکبران عبرت گرفته و بر اساس اخوت اسلامی، احکام ظالمانه بر ضد مردم خویش به‌ویژه جوانان و علمای دین که خیرخواه مردم و کشور خود می‌باشند را لغو نمایند و بر انسجام مردم خویش در برابر دشمنان قسم‌خورده اسلام و مسلمین منطقه بیفزایند.

در پایان، طول عمر با عزت و کرامت رهبر عزیز و سربلندی و پیروزی روزافزون مردم و رزمندگان و موفقیت بیشتر مسئولان در خدمت به کشور و مردم را از خداوند بزرگ مسألت داریم و امیدواریم ادعیه زاکیه مولای ما حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) همواره شامل حال این امت و امام و انقلاب اسلامی باشد ان شاءالله.

افزایش ۳۵ درصدی حقوق با تورم موجود همخوانی ندارد



عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با انتقاد از پیش‌بینی افزایش متوسط ۳۵ درصدی حقوق کارکنان دولت در بخشنامه بودجه سال ۱۴۰۶، گفت: این میزان افزایش با واقعیت‌های اقتصادی و نرخ تورم تناسبی ندارد و دولت باید در تدوین نهایی لایحه بودجه، افزایش حداقل ۵۰ درصدی حقوق کارمندان، کارگران و بازنشستگان را مبنای تصمیم‌گیری قرار دهد و در این زمینه مجلس آماده همکاری برای تقویت معیشت مردم است.

رحیم زارع در واکنش به بخشنامه بودجه سال ۱۴۰۶ و پیش‌بینی متوسط افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارکنان دولت به‌صورت پلکانی، گفت: در شرایط کنونی، کارمندان، کارگران و بازنشستگان با مشکلات معیشتی متعددی مواجه هستند و دریافتی آنها با وجود افزایش هزینه‌های زندگی، پاسخگوی نیازهای اساسی خانوار نیست؛ از این رو، تعیین میزان افزایش حقوق باید با در نظرگرفتن واقعیت‌های اقتصادی جامعه و فشار هزینه‌ها بر زندگی مردم انجام شود.

نماینده مردم آباده، بوانات، خرم‌بید و سرچهان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه افزایش ۳۵ درصدی حقوق نمی‌تواند شکاف میان درآمد و هزینه‌های خانوارهای کارمندی و کارگری و بازنشستگان را جبران کند، افزود: قدرت خرید کارکنان دولت در سال‌های اخیر تحت تأثیر افزایش مستمر قیمت کالاها و خدمات کاهش یافته است و در چنین شرایطی، افزایش حقوق باید به‌گونه‌ای پیش‌بینی شود که بخشی از عقب‌ماندگی درآمدی کارمندان در برابر رشد هزینه‌های زندگی جبران شود.

وی با تأکید بر اینکه افزایش حقوق باید متناسب با نرخ تورم تعیین شود، اظهار کرد: هر سال این موضوع مطرح می‌شود که مبنای افزایش حقوق کارکنان باید نرخ تورم باشد و چنانچه امکان تطبیق کامل افزایش دستمزدها با تورم وجود ندارد، دست‌کم این میزان باید به نرخ تورم نزدیک شود؛ بنابراین، پیش‌بینی افزایش متوسط ۳۵ درصدی در شرایطی که نرخ تورم بیش از ۸۰ درصد برآورد می‌شود، فاصله قابل توجهی با واقعیت‌های اقتصادی دارد البته مشکلات منابع مالی دولت را درک می‌کنیم اما باید هزینه‌های غیرضروری حذف شود.

زارع ادامه داد: نمی‌توان از یک سو شاهد افزایش قابل توجه هزینه‌های معیشت و نیازهای اساسی خانوارها بود و از سوی دیگر، افزایش حقوق را بدون توجه کافی به این شرایط تعیین کرد. چنین تصمیمی نه‌تنها قدرت خرید کارمندان را تقویت نمی‌کند، بلکه موجب تداوم فشار معیشتی بر این قشر خواهد شد.

این نماینده مجلس با بیان اینکه دولت باید در تعیین ضرایب افزایش حقوق، آثار تورمی و هزینه‌های واقعی زندگی را مورد توجه قرار دهد، تصریح کرد: پلکانی بودن افزایش حقوق به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی مشکلات معیشتی کارکنان باشد و ضروری است میزان افزایش دریافتی‌ها به نحوی تعیین شود که بهبود ملموسی در قدرت خرید خانوارها ایجاد کند.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با تأکید بر ضرورت بازنگری در ارقام پیش‌بینی‌شده در بخشنامه بودجه ۱۴۰۶، خاطرنشان کرد: دولت باید در فرآیند تدوین نهایی لایحه بودجه، شرایط اقتصادی و معیشتی جامعه را ملاک تصمیم‌گیری قرار دهد و حداقل افزایش ۵۰ درصدی حقوق کارکنان را به عنوان مبنای پیشنهادی در نظر بگیرد تا فاصله میان درآمد و هزینه‌های زندگی کارمندان، کارگران و بازنشستگان بیش از این افزایش پیدا نکند.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
■ شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۶

اخبار



مشکل اقتصاد ایران بالا بودن نقدینگی نیست، انحراف آن است

یک اقتصاددان معتقد است مشـــکل اصلی تورم در ایران بالا بودن نقدینگی نیست، بلکه هزینه بالای تولید و ناکارآمدی‌های ساختاری در سمت عرضه است. در این میان کاهش نقدینگی لزوماً به مهار تورم منجر نمی‌شود و باید به‌جای تمرکز بر کاهش نقدینگی، زمینه هدایت منابع و نقدینگی به سمت تولید فراهم شود.

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، اخیراً از کاهش رشد نقدینگی و نزدیک شدن آن به کانال ۴۰ درصدی خبر داده است؛ موضوعی که در چارچوب سیاست‌های پولی بانک مرکزی برای کنترل تورم دنبال می‌شود.

با این حال، درباره نقش نقدینگی در تورم و اثرگذاری کاهش آن بر کنترل قیمت‌ها دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. مرتضی افقه، اقتصاددان، معتقد است ریشه مزمن تورم در ایران عمدتاً به سمت عرضه و هزینه بالای تولید بازمی‌گردد و صرف کاهش نقدینگی نمی‌توان مشکلات تولید و تورم را برطرف کرد.

نقدینگی باید هم‌پای رشد اقتصادی باشد

افقه در گفت‌وگو با ایسنا، با اشـــاره به اینکه بخش قابل توجهی از ادبیات سیاست‌گذاری پولی و مالی درباره نقدینگی می‌تواند گمراه‌کننده باشد، اظهار کرد: افزایش نقدینگی نه‌تنها بد نیست، بلکه برای تحریک تولید و رونق اقتصادی ضروری است؛ به شرط آنکه سرعت رشد آن همسو و هم‌پای رشد اقتصادی باشد. وی با انتقاد از نگاه منفی رایج به نقدینگی افزود: آن‌قدر گفته‌اند نقدینگی بد است و باید کاهش پیدا کند که همه فکر می‌کنند نقدینگی نجس است و باید هرچه بیشتر و زودتر از آن دوری کرد. این اقتصاددان با بیان اینکه افزایش نقدینگی لزوماً به معنای پیشی گرفتن سرعت رشد آن از سرعت رشد تولید ملی و درنتیجه ایجاد تورم نیست، گفت: تورم دلایل مختلفی دارد و به‌ویژه در ایران نمی‌توان آن را صرفاً به افزایش نقدینگی نسبت داد.

افقه با اشاره به اینکه در ادبیات متعارف اقتصاد کلان، تورم عمدتاً از سمت تقاضا و پیشی گرفتن رشد نقدینگی مطرح می‌شود، توضیح داد: ریشه تورم در داخل کشور عمدتاً از سمت عرضه است؛ به این معنا که تولید در ایران پرهزینه است و این مسئله به ناکارآمدی‌های حکمرانی، بروکراسی ناکارآمد، مدیریت‌های ناکارآمد و بی‌ثباتی‌های سیاسی بازمی‌گردد.

به گفته وی، این عوامل باعث می‌شوند هزینه تولید در کشور افزایش پیدا کند و ساختارهای ناکارآمد و ضدتولید و ضدتوسعه بر فعالیت‌های تولیدی حاکم شوند. این اقتصاددان یکی دیگر از عوامل مؤثر بر تورم، به‌خصوص در یک دهه اخیر و پس از تشدید تحریم‌ها از سال ۱۳۹۷ را انتظارات دانست و گفت: متأسفانه سیاست‌گذاران این انتظارات را در ملاحظات خود لحاظ نمی‌کنند.

کاهش نقدینگی هم می‌تواند به زیان تولید تمام شود

افقه در ادامه با اشاره به وضعیت فعالیت‌های تولیدی و غیرمولد در اقتصاد ایران اظهار کرد: حتی اگر نقدینگی کاهش پیدا کند، باز هم این موضوع می‌تواند به زیان تولیدکننده تمام شود؛ چراکه در شرایط فعلی، تولید پرهزینه است، اما فعالیت‌های غیرمولد و دلالی آسان‌تر، زودبازده‌تر و پرسودتر هستند و در مقایسه با تولید، کمتر تحت تأثیر نظارت‌های دولتی قرار می‌گیرند.

وی افزود: تولید در شرایط فعلی به دلیل هزینه‌های بالا، فعالیتی دیربازده با سود پایین است و تحت تأثیر نظارت‌های حاکمیتی ناکارآمد قرار دارد. طبیعی است که در چنین شرایطی، حتی اگر نقدینگی با میزان تولید متوازن باشد، به سمت تولید نمی‌رود و به سمت بازارهای دلالی حرکت می‌کند.

این اقتصاددان با تأکید بر ضرورت تغییر رویکرد سیاست‌گذاران در مواجهه با نقدینگی گفت: اگر قرار است اقدامی انجام شود، باید مسیر نقدینگی تغییر کند، نه اینکه صرفاً برای کاهش آن فشار وارد شود. در شرایطی که نقدینگی به سمت بخش غیرمولد می‌رود، اصرار بر کاهش آن، همان‌طور که بانک مرکزی وعده‌ای از همفکرانش دنبال می‌کنند، ضربه بیشتری به بخش تولید می‌زند؛ چراکه کاهش نقدینگی به معنای هدایت منابع به سمت تولید نیست.

افقه با اشاره به کمبود نقدینگی در بنگاه‌های تولیدی ادامه داد: بخش مولد کشور عمدتاً با کمبود نقدینگی مواجه است. اگر همین حالا به‌صورت میدانی به بنگاه‌های کوچک و متوسط، به‌خصوص در شهرک‌های صنعتی، مراجعه و پنج مشکل عمده آن‌ها را بررسی کنند، معمولاً نخستین مسئله‌ای که مطرح می‌کنند، کمبود نقدینگی و ناتوانی در تأمین مواد اولیه است.

وی در پاسخ به اینکه بانک مرکزی چه ابزارهایی برای هدایت نقدینگی به سمت تولید در اختیار دارد، گفت: تشخیص اشتباه، به نسخه اشتباه منجر می‌شود و نسخه اشتباه نیز فرصت‌سوزی و اتلاف منابع را به دنبال دارد.

این اقتصاددان تأکید کرد: مشکل، بالا بودن نقدینگی نیست، بلکه مسئله به سمتی مربوط می‌شود که نقدینگی به آن می‌رود. اگر این موضوع را بپذیرند، آن‌وقت به این فکر می‌کنند که چه اقداماتی انجام دهند تا بخش مولد برای جذب نقدینگی جذابیت بیشتری داشته باشد.

افقه افزود: مادامی که تصور سیاست‌گذاران این باشد که فقط و فقط باید نقدینگی کاهش پیدا کند تا تورم پایین بیاید، اصلاً به سمت رفع مشکل اصلی نمی‌روند. وی با بیان اینکه رفع مشکلات ساختاری تولید فراتر از اختیارات و وظایف بانک مرکزی است، اظهار کرد: این ناکارآمدی‌ها به کل حکمرانی، سیاست‌های ناکارآمد، مدیریت‌های ناکارآمد و انتخاب‌ها و انتصاب‌های مبتنی بر ناشایسته‌سالاری بازمی‌گردد که خودشان به ایجاد بروکراسی ناکارآمد منجر می‌شوند. این اقتصاددان همچنین قوانین متعدد و بعضاً متناقض و ضدتولید مجلس را از دیگر مسائل موجود دانست و گفت: این موضوع به کل حاکمیت مربوط است. اگر خاطرتان باشد، چندین سال پیش سالی را به عنوان سال رفع موانع کسب‌وکار اعلام کردند، اما چون ساختارهای کشور در آن مسیر حرکت نمی‌کنند، عملاً اتفاقی نیفتاد.

افقه در ادامه با تأکید بر اینکه اصلاح ساختارها و فراهم کردن شرایط مناسب برای فعالیت‌های تولیدی اهمیت بیشتری از تمرکز صرف بر کاهش نقدینگی دارد، گفت: اگر سیستم و ساختارها اصلاح شوند و مسیر برای تولید هموار و تولید سودآور شود، اساساً بحث کاهش نقدینگی به این شکل مطرح نخواهد شد.

این اقتصاددان در بخش دیگری از این گفت‌وگو، درباره نحوه تخصیص تسهیلات بانکی و دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به منابع مالی اظهار کرد: بانک‌ها تسهیلات خود را به جایی می‌دهند که مطمئن باشند پول‌شان بازمی‌گردد و گرایش آن‌ها قاعدتاً به سمت بخش غیرمولد است.

افقه با اشاره به اینکه در سال‌های گذشته بخش قابل توجهی از پس‌اندازهای مردم صرف خرید املاک و دارایی‌های ثابت شده است، گفت: از این منظر شاید نتوان بانک را چندان نکوهش کرد؛ چراکه بانک هم به دنبال سود است، اما بانک مرکزی باید ضوابطی تعیین کند تا نقدینگی به این شکل ذخیره نشود، به جریان بیفتد و به مشتی دارایی برای سهامداران بانک‌ها، به‌خصوص بانک‌های خصوصی، تبدیل نشود.



تغییر موازنه قدرت در ایران خودرو؛

چرا وزارت صمت با وجود سهامداری در ایران خودرو ورود نمی‌کند؟

گزارش

هم‌زمان با افزایش ابهامات درباره معامله ۵.۳ همتی بهمن موتور با سپهر کیش ایرانیان و احتمال تغییر موازنه قدرت در ایران خودرو با حضور گسترده‌تر کروز، وزارت صمت با وجود مسئولیت سیاست‌گذاری صنعت خودرو و همچنین سهامداری حدود ۵.۷ درصدی از طریق ایدرو، هنوز اقدام مشخصی نداشته است؛ موضوعی که ضرورت پاسخ‌گویی این وزارتخانه را دوچندان می‌کند.

پرونده واگذاری ۲۰ درصد سهام شرکت سپهر کیش ایرانیان به بهمن موتور، بار دیگر عملکرد وزارت صنعت، معدن و تجارت در قبال تحولات مالکیتی صنعت خودرو را زیر سوال برده است. در حالی که سازمان بورس درباره ابعاد اقتصادی و حقوقی این معامله خواستار شفاف‌سازی شده، هنوز مشخص نیست وزارت صمت برای بررسی پیامدهای این واگذاری بر ساختار مدیریتی ایران خودرو و منافع سهامداران چه اقداماتی انجام داده است.

آیا پیوندهای سهامداری خریدار با مجموعه‌های فعال در قطعه‌سازی و خودروسازی و آثار احتمالی آن بر مناسبات صنعتی بررسی شده است؟ هرچند سیاست‌گذاری صنعتی به معنای اختیار توقف مستقیم معاملات خصوصی نیست اما این محدودیت نمی‌تواند جایگزین پاسخ‌گویی درباره آثار اقتصادی و صنعتی تصمیمات مهم شود.

وزارتخانه‌ای که درباره اصلاح ساختار خودروسازی، افزایش تولید و ارتقای کیفیت سیاست‌گذاری می‌کند، باید توضیح دهد تغییرات احتمالی در ترکیب مالکیت و مدیریت ایران خودرو را چگونه ارزیابی کرده و چه ملاحظاتی برای حفظ منافع صنعت خودرو در نظر گرفته است.

سهامداری ایدرو؛ مسؤولیتی که نمی‌توان نادیده گرفت

ابهام درباره عملکرد وزارت صمت زمانی جدی‌تر می‌شود که سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، به عنوان مجموعه وابسته به این وزارتخانه، حدود ۵.۷ درصد سهام ایران خودرو را در اختیار دارد. ایدرو در این پرونده صرفا یک ناظر بیرونی نیست، بلکه سهامداری است که منافع مالکانه آن می‌تواند از تحولات موثر بر ارزش و ساختار مدیریتی ایران خودرو تاثیر بپذیرد.

اگرچه این میزان سهام اختیار تصمیم‌گیری یک جانبه درباره معامله سپهر کیش را ایجاد نمی‌کند اما ایدرو می‌تواند از مجاری قانونی سهامداری، درباره آثار اقتصادی این واگذاری از مدیران ایران خودرو درخواست توضیح کند. مشخص نیست سازمان گسترش تاکنون چه بررسی مستقلی درباره ارزش مدیریتی سهام سپهر کیش انجام داده و آیا آثار احتمالی تغییر کنترل این شرکت بر منافع سهامداران ایران خودرو را ارزیابی کرده است. اهمیت این موضوع با توجه به حضور حدود ۷۰ هزار ســـهامدار در تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو بیشتر می‌شود؛ سهامدارانی که تعیین تکلیف دارایی‌های تعاونی و نحوه ارزش‌گذاری معامله برای آنها اهمیت مستقیم دارد. در شرایطی که نهاد ناظر بازار سرمایه درباره ابعاد معامله درخواست شفاف‌سازی کرده، انتظار می‌رود وزارت صمت نیز مشخص کند چه مکاتبات و بررسی‌هایی از سوی ایدرو انجام شده و نتیجه این پیگیری‌ها چه بوده است.

وزارت صمت باید توضیح دهد چگونه از یک سو سیاست‌گذاری صنعتی را در دست دارد و از سوی دیگر، با وجود سهامداری مجموعه وابسته به خود در ایران خودرو، هنوز موضع و اقدامات مشخصی درباره معامله سپهر کیش اعلام نکرده است.

اگر بررســـی‌هایی انجام شده، انتشار مســـتندات و نتایج آن ضروری است و اگر اقدامی صورت نگرفته، مسئولان وزارت صمت باید درباره دلایل این وضعیت پاسخ دهند. پرونده‌ای با چنین ابعاد اقتصادی و مدیریتی، نیازمند پاسخ‌گویی روشن متولی صنعت خودرو است.

وزارتخانه‌ای که درباره اصلاح ساختار خودروسازی، افزایش تولید و ارتقای کیفیت سیاست‌گذاری می‌کند، باید توضیح دهد تغییرات احتمالی در ترکیب مالکیت و مدیریت ایران خودرو را چگونه ارزیابی کرده و چه ملاحظاتی برای حفظ منافع صنعت خودرو در نظر گرفته است

اتلاف حق ۷۰ هزار کارگر و بازنشسته ایران خودرو

مهلت پاسخ‌گویی بهمن موتور و ایران خودرو به سازمان بورس بابت خرید و فروش ۲۰ درصد از سهام سپهر کیش ایرانیان، آن هم به ثمن بخس، تمام شده است؛ در این مزایده که پارسال فقط با یک مشتری شکل گرفت، حقوق ۷۰ هزار کارگر و بازنشسته ایران خودرو در حال پایمال شدن است، بنابراین سازمان بورس باید از مســـببان این اتلاف حق، توضیح بخواهد و به عنوان حاکمیت بورس، اعمال اقتدار نظارتی کند.

۵ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان معامله شده، کنترل مدیریتی شرکتی که ۱۰.۳۲ درصد سهام ایران خودرو را در اختیار دارد، در آستانه جابه‌جایی قرار گرفته و منافع حدود ۷۰ هزار کارگر و بازنشسته به این پرونده گره خورده است. در این میان، مزایده‌ای با تنها یک متقاضی، پیشنهادی فقط یک ریال بالاتر از قیمت پایه و فاصله‌ای بیش از ۹ ماه میان اعلام نتیجه و انعقاد قرارداد، پرسش‌های جدی ایجاد کرده است.

با وجود همه این ابهامات، اتفاق عجیب‌تر جای دیگری است. بر اساس اعلام روابط عمومی سازمان بورس به اقتصاد معاصر، دو طرف معامله حتی حاضر نشده‌اند در مهلت تعیین شده به نامه‌های سازمان بورس پاسخ دهند و سازمان بورس هم هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد.

این دیگر فقط پرونده یک معامله پرابهام نیست؛ آزمونی برای اعتبار سازمان بورس و مدیریت حجت‌الله صیدی است. نهادی که قرار است حافظ حقوق سهامداران باشد، اکنون با وضعیتی مواجه شده که دو شرکت درگیر یک معامله چند هزار میلیارد تومانی، درخواست رسمی آن را بی‌پاسخ گذاشته‌اند.

پیگیری‌های اقتصاد معاصر از روابط عمومی سازمان بورس نشان می‌دهد مهلت پاسخ‌گویی بهمن موتور تا ۱۲ آبان و ایران خودرو تا ۱۳ آبان به پایان رسیده اما طبق اطلاعات کدال هیچ‌یک از دو شرکت پاسخ مورد مطالبه را ارائه نکرده‌اند. حالا سوال این است سازمان بورس بعد از پایان مهلت‌ها چه کرد؟ نامه دیگری فرستاد؟ مهلت دیگری تعیین کرد؟

شرکت‌ها برای سازمان بورس تعیین تکلیف می‌کنند

ســـازمان بورس خود به ابهامات این معامله پی برده و برای دریافت توضیحات رسمی اقدام کرده است. بهمن موتور باید درباره توجیه اقتصادی خرید ۲۰ درصد سهام سپهر کیش، ارتباط این سرمایه‌گذاری با موضوع اصلی فعالیت خود و رعایت صرفه و صلاح سهامداران توضیح می‌داد. ایران خودرو نیز باید درباره وضعیت حقوقی سپهر کیش، مواضع مطرح‌شده در مکاتبات قبلی و اقدامات خود برای صیانت از حقوق سهامداران شفاف‌سازی می‌کرد.

اما نتیجه چه شد؟ مهلت تمام شد و پاسخ نیامد

اینجا دیگر بحث یک تاخیر اداری ساده نیست. وقتی نهاد ناظر بازار سرمایه درباره معامله‌ای با این ابعاد پرسش مطرح می‌کند، بی‌پاسخ گذاشتن مکاتبات آن باید با واکنشی متناسب روبه‌رو شود. در غیر این صورت، چه تفاوتی میان درخواست سازمان بورس و یک نامه معمولی اداری وجود دارد؟

رئیس سازمان بورس پاسخ دهد که سازمان تحت مدیریت او تا چه اندازه در اعمال اختیارات قانونی خود جدی است. آیا قرار است شرکت‌ها تشخیص دهند چه زمانی و به کدام درخواست سازمان بورس پاسخ بدهند؟ آیا مهلت‌های اعلام‌شده صرفا تاریخ‌هایی تزئینی هستند که با پایان آنها هیچ اتفاقی نمی‌افتد؟ اگر یک شرکت بتواند درخواست رسمی سازمان بورس را بی‌پاسخ بگذارد و همچنان بدون نگرانی مسیر خود را ادامه دهد، اقتدار نهاد ناظر دقیقا کجا به کار می‌آید؟

ابعاد معامله نشان می‌دهد چرا این سکوت نمی‌تواند عادی تلقی شود. بهمن موتور برای خرید ۲۰ درصد سهام سپهر کیش ایرانیان قراردادی به ارزش حدود ۵ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان منعقد کرده است. سپهر کیش نیز حدود ۱۰.۳۲ درصد سهام ایران خودرو را در اختیار دارد. بر اساس ترکیب سهامداری مطرح‌شده در این پرونده، اضافه شدن بلوک ۲۰ درصدی بهمن موتور می‌تواند سهم مجموعه مرتبط با کروز و بهمن موتور را به حدود ۵۱.۷۵ درصد برساند و کنترل مدیریتی سپهر کیش را به این مجموعه منتقل کند.

به بیان روشن‌تر، موضوع فقط خرید ۲۰ درصد سهام یک شرکت نیست؛ پای تغییر موازنه مالکیت و کنترل مدیریتی شرکتی در میان است که دارایی مهم آن به سهام ایران خودرو گره خورده است. ماجرا زمانی پیچیده‌تر می‌شود که مطابق رأی شعبه ۴۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، سهام ایران خودرو در اختیار سپهر کیش، سهام خزانه شناخته شده و فاقد حق رأی در مجامع عمومی ایران خودرو است.

این وضعیت، پرســـش‌های مهمی درباره ارزش اقتصادی دارایی سپهر کیش و مبنای قیمت‌گذاری آن ایجاد می‌کند. آیا در ارزش‌گذاری، وضعیت حقوقی این سهام به‌درستی لحاظ شده است؟ آیا خرید این بلوک با چنین قیمتی توجیه اقتصادی دارد؟ انتقال کنترل مدیریتی چه آثار حقوقی و مالی خواهد داشت؟ اینها دقیقا همان پرسش‌هایی است که سازمان بورس باید برای پاسخ گرفتن از طرفین پیگیری کند؛ نه اینکه پس از بی‌پاسخ ماندن نامه‌های خود، افکار عمومی را در انتظار بگذارد.

مزایده‌ای با یک مشتری؛ رقابتی شکل نگرفت

اگر قرار باشد فقط یک بخش از این پرونده حساسیت برانگیز باشد، فرآیند مزایده به تنهایی ظرفیت ایجاد پرسش‌های جدی را دارد. اطلاعات منتشرشده نشان می‌دهد بهمن موتور تنها متقاضی خرید ۲۰ درصد سهام سپهر کیش بوده است. پیشنهاد این شرکت نیز فقط یک ریال بالاتر از قیمت پایه هر سهم قرار داشته است.

یعنی برای معامله‌ای به ارزش بیش از ۵ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان، رقابت قیمتی در حدی بوده که اختلاف پیشنهاد با قیمت پایه حتی به یک دهم درصد ارزش معامله هم نمی‌رسد. تک‌متقاضی بودن مزایده به تنهایی تخلف را اثبات نمی‌کند اما سوال این است که آیا شرایط رقابت به اندازه کافی فراهم بوده است؟ آیا اطلاع‌رسانی عمومی و فرصت حضور سایر متقاضیان مناسب بوده؟ آیا قیمت پایه با ارزش اقتصادی دارایی‌ها تناسب داشته است؟ و مهم‌تر از همه، چرا نتیجه مزایده در اول بهمن ۱۴۰۴ اعلام شده اما قرارداد در سوم آبان ۱۴۰۵ منعقد شده است؟

بیش از ۹ ماه فاصله میان این دو تاریخ وجود دارد. اگر اعتبار پیشنهاد خرید مطابق شرایط مزایده یک ماه بوده، چگونه همان پیشنهاد پس از گذشت چندین ماه مبنای قرارداد قرار گرفته است؟ آیا پیشنهاد تمدید شده؟ آیا ارزیابی مجدد صورت گرفته؟ و آیا شرایط معامله در این فاصله تغییر کرده است؟

سازمان بورس باید به این پرسش‌ها پاسخ دهد. نمی‌توان از کنار چنین فاصله زمانی و چنین ساختار رقابتی عبور کرد و بعد انتظار داشت سهامداران صرفا به سلامت فرآیند اعتماد کنند.

۷۰ هزار کارگر و بازنشسته؛ قربانیان احتمالی سکوت چه کسانی هستند؟

در این پرونده، پای منافع حدود ۷۰ هـــزار نفر از کارکنان و بازنشستگان ایران خودرو نیز در میان است؛ افرادی که منافع اقتصادی آنها به تعاونی خاص کارکنان این خودروساز گره خورده است. این افراد حق دارند بدانند دارایی مرتبط با منافعشان چگونه و با چه قیمتی واگذار شده است. حق دارند گزارش کارشناســـی، مبانی قیمت‌گذاری، شرایط مزایده و جزئیات تصمیم‌گیری را مطالبه کنند.

وقتی یک معامله چند هزار میلیارد تومانی با چنین ابهاماتی روبه‌روست، سکوت شرکت‌ها فقط یک مشکل ارتباطی نیست؛ مسئله مستقیما به اعتماد ذی‌نفعان و صیانت از حقوق اقتصادی آنها مربوط می‌شود. چه کسی تضمین می‌کند که همه ظرفیت‌های رقابتی برای دستیابی به بهترین قیمت به کار گرفته شده است؟ چه کسی بررسی می‌کند که قیمت معامله با ارزش واقعی دارایی‌ها تناسب داشته است؟ چه نهادی باید درباره آثار انتقال کنترل مدیریتی پاسخ‌گو باشد؟ پاسخ این پرسش‌ها نباید در راهروهای شرکت‌ها و میان مکاتبات بی‌نتیجه گم شود.

پنج ســـوال که دیگر نمی‌توان با نامه از کنارشان گذشت. در این باره سازمان بورس چند ســـوال را درباره اقدامات عملی سازمان بورس توضیح دهد.

نخســـت؛ چرا پس از پایان مهلت پاسخ‌گویی بهمن موتور و ایران خودرو، هنوز گزارش روشنی از اقدامات نظارتی و ضمانت اجرای عدم پاسخ‌گویی منتشر نشده است؟

دوم؛ آیا سازمان بورس بررسی کرده که چرا مزایده‌ای با ارزش بیش از ۵.۳ همت تنها یک متقاضی داشته و اختلاف پیشنهاد با قیمت پایه به حدود ۶۱ میلیون تومان محدود شده است؟

سوم؛ اعتبار پیشنهاد خرید در فاصله بیش از ۹ ماه میان اعلام نتیجه مزایده و انعقاد قرارداد چگونه حفظ شده است؟ آیا تمدید اعتبار یا ارزیابی مجدد مستند و قابل انتشار وجود دارد؟

چهارم؛ آیا مبانی ارزش‌گذاری سپهر کیش با توجه به وضعیت حقوقی سهام ایران خودرو در اختیار این شرکت بررسی شده است؟ نتیجه این بررسی چیست؟

پنجم؛ اگر شرکت‌ها همچنان از پاسخ‌گویی خودداری کنند، سازمان بورس دقیقا از چه ابزار قانونی و نظارتی استفاده خواهد کرد؟ آیا برای پایان این وضعیت ضرب‌الاجل مشخصی وجود دارد؟

سازمان بورس ناظر است یا تماشاگر؟

پرونده سپهر کیش اکنون از مرحله پرسش درباره یک معامله عبور کرده و به آزمونی برای اقتدار سازمان بورس تبدیل شده است. شرکت‌ها پاسخ نداده‌اند، مهلت‌ها گذشته‌اند و ابهامات همچنان پابرجاست؛ در چنین شرایطی، ادامه سکوت و نبود اطلاع‌رســـانی درباره اقدامات بعدی، فقط یک نتیجه دارد؛ افزایش تردیدها درباره توانایی نهاد ناظر برای اعمال مقررات بر شرکت‌های بزرگ و اثرگذار.

سازمان بورس برای روزهایی ساخته نشده که همه شرکت‌ها داوطلبانه و مطابق میل خود اطلاعات منتشر کنند. اتفاقا ارزش نهاد ناظر زمانی مشخص می‌شود که یک شرکت از پاسخ‌گویی خودداری می‌کند و سازمان باید با استفاده از اختیارات قانونی، حقوق سهامداران و سلامت بازار را صیانت کند؛ ۵.۳ همت معامله شده اســـت. کنترل مدیریتی یک شرکت در معرض تغییر قرار گرفته است. حقوق هزاران کارگر و بازنشسته به این پرونده گره خورده است. دو شرکت نیز به مهلت تعیین‌شده از سوی سازمان بورس پاسخ نداده‌اند. حالا دیگر نوبت نامه‌نگاری نیست؛ نوبت اقدام است.

قطعا باید سازمان بورس در برابر بی‌پاسخی دو شرکت بزرگ بازار سرمایه ابزاری برای اقدام داشته باشد، در غیر این صورت سهامداران در برابر معاملات بزرگ و پرابهام باید به چه نهادی پناه ببرند؟

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

■ شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۵ ■ ۴ جمادی الثانی ۱۴۴۸ ■ ۱۴ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۶

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

Charsogh newspaper.com

اخبار



با افزایش ۳۵ درصدی حقوق در سال آینده مخالف هستیم

وقتی نرخ تورم رسمی ۸۸ درصد است، افزایش ۳۵ درصدی حقوق هیچ توجیهی ندارد چون طبق قانون برنامه باید میزان افزایش حقوق به اندازه تورم و یا حداقل به نرخ تورم نزدیک باشد.

عضو کمیسیون تلفیق بودجه تاکید کرد که مجلس با افزایش ۳۵ درصدی حقوق در سال آینده مخالف است و به همین دلیل با کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۶ مخالفت خواهد کرد.

احمد فاطمی در واکنش به بخشنامه بودجه ۱۴۰۶ و پیش‌بینی متوسط افزایش حقوق کارکنان دولت در سال آینده به میزان ۳۵ درصد و به صورت پلکانی، گفت: به عنوان عضو کمیسیون تلفیق بودجه به دولت هشدار می‌دهم که افزایش ۳۵ درصدی حقوق در سال آینده وهن کارکنان دولت و کارگران و توهین به نمایندگان مجلس است.

وی ادامه داد: اگر دولت لایحه بودجه ۱۴۰۶ را با افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارکنان دولت به مجلس ارائه کند، کمیسیون تلفیق و مجلس با کلیات آن مخالفت خواهد کرد و لایحه را به دولت برمی‌گردانند؛ دولت نظر مجلس را می‌داند پس بهتر است که وقت مجلس را نگیرد.

این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس افزود: وقتی نرخ تورم رسمی ۸۸ درصد است، افزایش ۳۵ درصدی حقوق هیچ توجیهی ندارد چون طبق قانون برنامه باید میزان افزایش حقوق به اندازه تورم و یا حداقل به نرخ تورم نزدیک باشد.



سقف درآمدی ۲۷ میلیون تومان برای حذف کالابرگ منطقی است؟

فعالان کارگری با انتقاد از سقف درآمدی پایین دولت برای کالابرگ، خواستار اصلاح دستمزدها و مهار نوسانات ارزی شدند.

در حالی که دولت با تصویب معیارهای جدید «استطاعت‌سنجی»، در پی بازنگری در طرح کالابرگ و محدود کردن مشمولان است، فعالان کارگری نسبت به پیامدهای این تصمیم و عدم به‌روزرسانی دستمزدها هشـــدار دادند. منتقدان معتقدند تعیین سقف درآمدی پایین برای دریافت حمایت‌ها، با واقعیت‌های کمرشکن هزینه‌های زندگی و تورم ۷۱ درصدی، همخوانی ندارد.

معیارهای جدید دولت؛ حمایت هدفمند یا محدودسازی مشمولان؟

یعقوب اندایش، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت کار، از تصویب طرح جدیدی برای افزایش اعتبارات کالابرگ و تغییر معیارهای شناسایی خانوارها خبر داد. طبق این طرح، حمایت‌ها بر گروه‌هایی نظیر مددجویان کمیته امداد و بهزیستی، معلولین کم‌درآمد، زنان سرپرست خانوار و افراد فاقد مسکن و خودرو متمرکز خواهد شد.

اندایش با اعلام سقف‌های جدید درآمدی، مشخص کرد که برای خانوارهای ۱ تا ۳ نفره، سقف درآمدی زیر ۲۰ میلیون تومان و برای خانوار ۴ نفره، مبلغ ۲۷ میلیون تومان تعیین شده است؛ این رقم به ازای هر عضو اضافه در خانوار، ۷ میلیون تومان افزایش می‌یابد.

انتقاد کارگران: ۲۷ میلیون تومان، پاسخگوی نیاز یک خانواده نیست!

سعید فتاحی، فعال کارگری، با انتقاد از این معیارها، اظهار داشت: "این اعداد با واقعیت‌های بازار فاصله فاحش دارد."، وی با طرح یک مثال ملموس گفت: مگر ۲۷ میلیون تومان می‌تواند نیازهای یک خانواده ۴ نفره را پوشش دهد؟ در زمان حاضر، یک خانواده با دو فرزند تنها برای خرید پوشاک معمولی زمستانی، به حدود ۳۰ میلیون تومان هزینه نیاز دارد، این نشان می‌دهد که تصمیم‌گیران، با واقعیت‌های زندگی مردم فاصله گرفته‌اند.

فتاحی با اشـــاره به اهمیت کالابرگ در دوران «عقب‌ماندگی مزدی»، هشدار داد که حذف بدون برنامه‌ریزی این حمایت، می‌تواند منجر به موج جدیدی از نارضایتی‌های اجتماعی شود.

شکست فرضیه «تورم ناشی از مزد» و بحران اعتماد

یکی از محورهای اصلی نقد فتاحی، نسبت دادن ریشه تورم به افزایش دستمزدها بود. وی با استناد به اصول اقتصاد کلاسیک و مدرن، این ادعا را رد کرد و گفت: وقتی سهم دستمزد در بهای تمام‌شده تولید در ایران زیر ۱۰ درصد است، متهم کردن این بخش ناچیز به تورم، نه از نظر انصاف و نه از نظر علم اقتصاد، پذیرفتنی نیست. راه خروج از این سیکل معیوب، مهار نوسانات ارزی و اصلاح ناترازی‌های بانکی است، نه فشار بر دستمزدها.

وی همچنین به بی‌اعتمادی ایجادشده میان کارگران اشاره کرد و گفت: دولت در شهریورماه ۱۴۰۵ وعده به‌روزرسانی دستمزد را داده بود، اما با عدم اجرای مصوبات شورای عالی کار، باعث ایجاد شکاف اعتماد شده است. دولت نباید در برگزاری جلسات و به‌روزرسانی سبد معیشت، بیش از این تعلل کند.

تورم ۷۱ درصدی و تهدید امنیت شغلی

عضو فعال کارگری با اشاره به آمارهای اخیر بانک مرکزی، تأکید کرد که با رسیدن تورم سالانه به ۷۱٫۴ درصد و افزایش ماهانه ۴٫۶ درصدی قیمت‌ها، اداره زندگی با دستمزد فعلی عملاً غیرممکن شده است.

وی اضافه کرد: با این حجم از تورم و عقب‌ماندگی مزدی، کارگران چگونه باید زندگی کنند؟ فتاحی به ابعاد دیگر بحران، یعنی «عدم امنیت شغلی» پرداخت و گفت: عدم رونق تولید باعث شده است کارفرمایان به سمت قراردادهای کوتاه‌مدت و ایجاد مشاغل کاذب روی بیاورند، اما واقعیت این است که اگر دستمزدها به‌روز شود، قدرت خرید افزایش می‌یابد و این خود، موتور محرک رونق تولید خواهد بود.



حقوق کارمندان از تورم جا ماند

گزارش

در حالی که رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از پیش‌بینی منابع و توافق برای افزایش حقوق کارکنان از ابتدای مهرماه خبر داده بود، سخنگوی دولت می‌گوید هیچ قولی برای افزایش حقوق در نیمه دوم سال داده نشده است؛ این اختلاف روایت در شرایطی ادامه دارد که تورم سالانه مهرماه به ۷۶.۸ درصد رسیده و افزایش ۲۰ درصدی ضریب حقوق در ابتدای سال، فاصله معناداری با رشد هزینه‌های زندگی دارد.

موضوع افزایش حقوق کارکنان دولت در نیمه دوم سال، پس از چند هفته انتظار و اظهارنظرهای متفاوت مسئولان، بار دیگر به محل بحث تبدیل شده است. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، ۱۹ آبان در نشست خبری اعلام کرد که دولت هیچ قولی برای افزایش حقوق در نیمه دوم سال نداده است؛ موضعی که در مقابل اظهارات مکرر رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس درباره توافق با دولت، پیش‌بینی منابع و ضرورت اجرای افزایش حقوق از مهرماه قرار می‌گیرد.

مسئله فقط اختلاف در بیان وعده‌ها نیست. کارمندان در حالی نیمه دوم سال را بدون افزایش جدید حقوق پشت سر می‌گذارند که تورم همچنان قدرت خرید خانوارها را کاهش داده و فاصله دریافتی‌ها با هزینه‌های زندگی به یکی از مهم‌ترین مطالبات حقوق‌بگیران تبدیل شده است.

افزایش حقوق از مهرماه؛ چه کسی وعده داد؟

هشتم مهرماه، علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، از توافق برای افزایش حقوق کارکنان دولت خبر داد. او اعلام کرد که بر اساس دستور رئیس جمهور و پیگیری کمیسیون اجتماعی، قرار است حقوق کارمندان دولت از ۲ هزار تا ۲۰ هزار امتیاز افزایش یابد و متوسط این افزایش حدود ۷ میلیون تومان باشد.

بابایی کارنامی همچنین گفت این افزایش در صورت ابلاغ، از ابتدای مهرماه محاسبه خواهد شد. این اظهارات از سوی خبرگزاری صداوسیما نیز منتشر شد.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در گفت‌وگوی تلویزیونی دیگری که ۱۶ آبان منتشر شد، جزئیات بیشتری از توافق مجلس و دولت را تشریح کرد. به گفته او، در جریان بررسی و تصویب بودجه ۱۴۰۵ توافق شده بود منابع ترمیم حقوق کارکنان از محل ردیف‌های خرج جمعی دولت، قانون تسعیر ارز و مابه‌التفاوت درآمد حاصل از آزادسازی ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی تا نرخ آزاد تامین شود.

بابایی کارنامی توضیح داد که قرار بود این ترمیم در دو مرحله انجام شود؛ مرحله نخست در اسفندماه سال گذشته برای شش ماه نخست سال ۱۴۰۵ و مرحله دوم در شهریورماه برای شش ماه دوم سال. او همچنین به پیش‌بینی ظرفیت فوق‌العاده خاص در قانون بودجه اشاره کرد که به گفته وی، امکان اعمال ۲ هزار تا ۲۲ هزار امتیاز برای کارکنان دولت را در اختیار دولت و دستگاه‌های اجرایی قرار می‌دهد.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در همین گفت‌وگو از برگزاری جلسات با روسای کمیسیون‌های تخصصی و برخی وزرا خبر داد و گفت کمیسیون اجتماعی در هفته اخیر سازمان برنامه و بودجه را نیز برای پیگیری اجرای این موضوع دعوت کرده است. به گفته او، از مسئولان خواسته شده اقدامات اجرایی را هرچه سریع‌تر انجام دهند و ادعای نبود منابع برای ترمیم حقوق‌ها با منابع پیش‌بینی‌شده در توافقات بودجه‌ای همخوانی ندارد.

این اظهارات نشان می‌دهد از نگاه رئیس کمیسیون اجتماعی، موضوع صرفا یک پیشنهاد یا مطالبه جدید نیست، بلکه توافقی درباره منابع و سازوکار ترمیم دریافتی‌ها در بودجه وجود داشته است. البته ادعای وجود منابع و تکلیف قانونی، نیازمند تطبیق با متن مصوبه و پاسخ سازمان برنامه و بودجه است.

در همین رابطه، بابایی کارنامی در ۱۲ آبان نیز تأکید کرد که برای اجرای قانون فوق‌العاده خاص نیازی به ارائه لایحه جدید از سوی دولت به مجلس نیست و دولت و سازمان برنامه و بودجه باید امتیازات پیش‌بینی‌شده را اجرا کنند. او گفت از ۲ هزار تا ۲۲ هزار امتیاز برای کارکنان پیش‌بینی شده، اما دولت در مرحله نخست فقط ۲ هزار امتیاز را اعمال کرده و بخش باقی‌مانده همچنان تعیین تکلیف نشده است.

در سوی دیگر، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، ۱۹ آبان در نشست خبری موضع متفاوتی گرفت و گفت: «بسیار علاقه‌مندیم حقوق کارمندان و کارگران افزایش پیدا کند، ولی آرزوی دولت با آنچه توان تحقق دارد دو چیز جداست.»

او صریحا اعلام کرد دولت هیچ قولی برای افزایش حقوق در نیمه دوم سال نداده است. مهاجرانی همچنین با اشاره به برنامه‌ریزی برای سال ۱۴۰۶ گفت موضوع افزایش حقوق در بودجه سال آینده بررسی خواهد شد و به دستگاه‌ها اعلام شده تا حد امکان از طریق خدمات و تسهیلات رفاهی، قدرت خرید کارکنان را ترمیم کنند.

پیش از این اظهارات نیز در ۱۲ آبـــان، قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور، در پاسخ به پرسش خبرنگار SNNTV درباره افزایش حقوق کارمندان، از جزئیات این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کرده بود. به این ترتیب، در فاصله چند روز سه روایت متفاوت درباره افزایش حقوق کارکنان مطرح شده است؛ رئیس کمیسیون اجتماعی از توافق بودجه‌ای، منابع مشخص و پیگیری اجرای افزایش سخن می‌گوید، معاون اجرایی رئیس جمهور از جزئیات موضوع اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و سخنگوی دولت نیز اساسا وعده افزایش حقوق در نیمه دوم سال را رد می‌کند.

این اختلاف روایت یک پرسش جدی ایجاد می‌کند؛ اگر توافق مجلس و دولت درباره منابع و ترمیم حقوق وجود داشته، چرا هنوز تصمیم اجرایی روشنی از سوی دولت اعلام نشده و چرا اعضای کابینه درباره جزئیات آن موضع یکسانی ندارند؟

تورم ۷۶.۸ درصدی در برابر افزایش ۲۰ درصدی حقوق

برای سنجش فاصله حقوق و هزینه‌های زندگی باید به آمار رسمی مرکز آمار ایران رجوع کرد. بر اساس گزارش تورم مهرماه ۱۴۰۵، شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به ۷۶۱.۸ رسید. تورم ماهانه مهرماه ۴.۴ درصد، تورم نقطه‌به‌نقطه ۸۸.۷ درصد و تورم سالانه ۷۶.۸ درصد اعلام شد.

به بیان دیگر، خانوارها برای خرید مجموعه کالاها و خدمات مصرفی در مهرماه امسال نسبت به مهرسال گذشته به‌طور متوسط ۸۸.۷ درصد بیشـــتر هزینه کرده‌اند. همچنین میانگین سطح قیمت‌ها در ۱۲ ماه منتهی به مهرماه نسبت به دوره مشابه قبل ۷۶.۸ درصد افزایش داشته است.

در مقابل، حقوق کارکنان دولت در ابتدای سال ۱۴۰۵ با افزایش ۲۰ درصدی ضریب حقوق همراه شد. البته حداقل حکم کارگزینی کارکنان نیز از حدود ۱۳ میلیون تومان به ۱۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید که رشد ۴۳ درصدی را نشان می‌دهد.

بنابراین باید توجه داشت که افزایش ۲۰ درصدی ضریب حقوق به معنای افزایش یکسان دریافتی تمام کارکنان نیست و حداقل بگیران به دلیل تغییر حداقل حکم، افزایش بیشتری را تجربه کرده‌اند.

با این حال، مقایسه نرخ‌های افزایش نشان می‌دهد:

افزایش ضریب حقوق کارکنان دولت: ۲۰ درصد

افزایش حداقل حکم کارگزینی: ۴۳ درصد

تورم سالانه مهرماه: ۷۶.۸ درصد

تورم نقطه‌به‌نقطه مهرماه: ۸۸.۷ درصد

حتی با مقایسه رشد ۴۳ درصدی حداقل حکم با تورم سالانه ۷۶.۸ درصدی، فاصله‌ای معادل ۳۳.۸ واحد درصد وجود دارد. این فاصله در مقایسه افزایش ۲۰ درصدی ضریب حقوق با تورم سالانه به ۵۶.۸ واحد درصد می‌رسد.

افزایش حقوق در نیمه دوم؛ قانون نانوشته یا مطالبه معطل مانده؟

افزایش حقوق کارکنان دولت در ابتدای هر سال بر اساس مصوبات بودجه‌ای انجام می‌شود، اما افزایش خودکار حقوق در نیمه دوم سال را نمی‌توان صرفا یک قاعده قانونی ثابت و تضمین‌شده دانست.

با این حال، وقتی رئیس کمیسیون اجتماعی از توافق بودجه‌ای، منابع مشخص و پیش‌بینی فوق‌العاده خاص سخن می‌گوید، انتظار کارکنان برای اجرای این تصمیم قابل درک است. به‌ویژه آنکه بابایی کارنامی مدعی شده بود مرحله دوم ترمیم حقوق برای شش ماه دوم سال باید در شهریورماه تعیین تکلیف می‌شد.

نکته مهم این است که در گزارش قبلی خبرگزاری دانشجو نیز به مطالبه ترمیم حقوق از مهرماه، اظهارات رئیس کمیسیون اجتماعی و اجرا نشدن افزایش جدید اشاره شده بود. در آن گزارش همچنین تاکید شده بود که پیش‌بینی افزایش متوسط ۳۵ درصدی حقوق در ضوابط مالی بودجه ۱۴۰۶، مربوط به سال آینده است و نباید با افزایش حقوق نیمه دوم سال جاری اشتباه گرفته شود.

از سوی دیگر، استناد دولت به محدودیت منابع مالی، پاسخگوی تمام مطالبه کارکنان نیست. اگر امکان افزایش حقوق وجود نداشته، چرا پیش از شکل‌گیری انتظار عمومی درباره افزایش چندمیلیونی حقوق، ارزیابی روشنی از منابع و امکان اجرای آن ارائه نشد؟ اگر هم منابع مورد اشاره رئیس کمیسیون اجتماعی در بودجه پیش‌بینی شده، چرا سازمان برنامه و بودجه تاکنون توضیح روشنی درباره نحوه تخصیص و زمان اجرای آن ارائه نکرده است؟ همچنین پرداخت تسهیلات رفاهی و خدمات جانبی، هرچند می‌تواند بخشی از فشار معیشتی را کاهش دهد، جایگزین افزایش حقوق مستمر و متناسب با رشد هزینه‌های زندگی نیست.

اکنون چند مطالبه مشخص پیش روی دولت قرار دارد:

دولت باید درباره مبنای توافق بودجه‌ای مورد اشـــاره رئیس کمیسیون اجتماعی و وعده افزایش متوسط ۷ میلیون تومانی شفاف‌سازی کند.

سازمان برنامه و بودجه باید درباره منابع پیش‌بینی‌شده از محل مابه‌التفاوت ارز و ردیف‌های بودجه‌ای و علت اجرا نشدن ترمیم حقوق توضیح دهد.

دولت باید مشخص کند ظرفیت فوق‌العاده خاص پیش‌بینی‌شده در قانون چه زمانی و برای چه گروه‌هایی اجرا خواهد شد.

دولت باید برنامه مشخصی برای جبـــران عقب‌ماندگی حقوق از تورم ارائه کند و صرفا به پرداخت‌های رفاهی اکتفا نکند.

در شرایطی که تورم سالانه مهرماه به ۷۶.۸ درصد رسیده، مسئله کارکنان صرفا افزایش چند درصدی حقوق نیست؛ مسئله حفظ قدرت خرید و امکان تامین هزینه‌های ضروری زندگی است. اکنون انتظار می‌رود دولت به جای محدود کردن بحث به اینکه وعده‌ای داده نشده، درباره توافقات مطرح‌شده در مجلس، منابع مورد اشاره و فاصله ایجادشده میان رشد حقوق و هزینه‌های زندگی پاسخ روشنی ارائه کند.

> **مسئله فقط اختلاف در بیان وعده‌ها نیست. کارمندان در حالی نیمه دوم سال را بدون افزایش جدید حقوق پشت سر می‌گذارند که تورم همچنان قدرت خرید خانوارها را کاهش داده و فاصله دریافتی‌ها با هزینه‌های زندگی به یکی از مهم‌ترین مطالبات حقوق‌بگیران تبدیل شده است**

اثر قدرت ژئوپلیتیک ایران بر صنعت پیشران هوش مصنوعی در آمریکا

محمدطاهر رحیمی
کارشناس اقتصادی

قدرت ژئوپلیتیکی ایران در تنگه هرمز صرفا به توان اثرگذاری بر بازار جهانی انرژی محدود نمی‌شود. این موقعیت راهبردی می‌تواند هزینه‌های تقابل نظامی را به بازارهای مالی آمریکا منتقل کند؛ از افزایش انتظارات تورمی و بازده اوراق خزانه‌داری تا تشدید هزینه تامین مالی شرکت‌هایی که صدها میلیارد دلار برای توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین تحولات راهبردی جنگ ایران و آمریکا را باید در تغییر ماهیت قدرت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز جست‌وجو کرد؛ تحولی که نشان داد قدرت یک کشور صرفا به توان نظامی، وسعت اقتصاد یا ظرفیت مالی آن محدود نمی‌شود، بلکه گاهی توان راهبردی کنترل و نفوذ بر یک گلوگاه حیاتی در جغرافیای تجارت جهانی می‌تواند به ابزاری برای اثرگذاری بر محاسبات اقتصادی و سیاسی قدرت‌های بزرگ تبدیل شود. ایران با استفاده از موقعیت راهبردی خود در تنگه هرمز، عملا هزینه جنگ را از سطح میدان نظامی فراتر برده و آن را به حوزه‌هایی نظیر انرژی، تورم، بازار اوراق قرضه، بازار سهام و حتی تامین مالی بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری آمریکا منتقل کرده است.

اهمیت این تحول در آن است که تنگه هرمز دیگر صرفا یک مسیر عبور نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری نیست؛ بلکه به اهرمی برای بازتعریف رابطه میان امنیت منطقه‌ای و ثبات اقتصادی جهانی تبدیل شده است. پیام راهبردی این وضعیت را می‌توان در یک گزاره خلاصه کرد، اگر قرار باشد ایران از امنیت، تجارت و منافع اقتصادی خود محروم شود، ناامنی نیز نمی‌تواند صرفا در محدوده جغرافیایی ایران باقی بماند. به بیان دیگر، ایران در پی تحمیل نوعی جهانی شدن هزینه‌های ناامنی است؛ راهبردی که مانع از آن می‌شود که طرف مقابل، هزینه‌های جنگ را بر ایران تحمیل کند، بی‌آنکه خود از پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن متاثر شود. این همان منطق راهبردی «امنیت برای همه یا امنیت برای هیچ‌کس» است؛ منطقی که در آن امنیت انرژی، ثبات بازارهای مالی و استمرار تجارت جهانی، دیگر موضوعاتی مستقل از امنیت ایران تلقی نمی‌شوند.

تنگه هرمز و راهبرد جهانی‌سازی هزینه‌های ناامنی

در معادلات سنتی قدرت، دولت‌های بزرگ معمولا تلاش می‌کنند هزینه‌های منازعه را به خارج از مرزهای خود منتقل کنند و در عین حال، منافع اقتصادی و امنیتی خود را محفوظ نگه دارند. برای سال‌ها، ایالات متحده از چنین موقعیتی برخوردار بود؛ به این معنا که می‌توانست در خاورمیانه سیاست فشار و تقابل را دنبال کند، بی‌آنکه نگران اختلال در جریان انتقال انرژی به بازارهای جهانی، افزایش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی یا تحمیل هزینه‌های مستقیم بحران‌های منطقه‌ای به مصرف‌کنندگان آمریکایی باشد اما تنگه هرمز این معادله را با چالشی جدی مواجه کرده است.

موقعیت جغرافیایی ایران در شمال تنگه هرمز و توان اثرگذاری بر امنیت کشتیرانی در این آبراه، یک ظرفیت ژئوپلیتیکی کم‌نظیر در اختیار تهران قرار داده است. اهمیت این ظرفیت از آنجا ناشی می‌شود که بخش قابل توجهی از تجارت جهانی نفت و گاز طبیعی مایع از این مسیر عبور می‌کند. بر اساس گزارش سرویس پژوهشی کنگره آمریکا در سال ۲۰۲۵ حدود یک چهارم تجارت دریایی نفت خام و فرآورده‌های نفتی جهان و نزدیک به یک پنجم تجارت جهانی ال‌ان‌جی از تنگه هرمز عبور می‌کرد. بنابراین، هرگونه اختلال جدی در این مسیر، آثار خود را به سرعت در قیمت انرژی، هزینه حمل‌ونقل، زنجیره تامین و انتظارات تورمی اقتصادهای بزرگ نشان می‌دهد.

در چنین شرایطی، تنگه هرمز از یک گذرگاه تجاری به اهرمی برای اثرگذاری بر محاسبات راهبردی قدرت‌های بزرگ تبدیل می‌شود. منطق این اهرم آن است که نمی‌توان از یک طرف امنیت اقتصادی و تجاری ایران را هدف قرار داد و از طرف دیگر انتظار داشت که اقتصاد جهانی، به‌ویژه اقتصاد آمریکا و اروپا، بدون پرداخت هزینه از پیامدهای این تقابل عبور کند. اگر ایران در معرض ناامنی قرار گیرد، آثار آن می‌تواند در قالب افزایش هزینه انرژی، تورم، افزایش هزینه تامین مالی و بی‌ثباتی بازارهای سرمایه به سایر کشورها منتقل شود.

این رویکرد را می‌توان نوعی جهانی‌سازی هزینه‌های ناامنی نامید؛ یعنی تبدیل هزینه‌ای که طرف مقابل قصد دارد صرفا بر ایران تحمیل کند؛ به هزینه‌ای مشترک که اقتصاد جهانی نیز ناگزیر از پرداخت آن خواهد بود. در این چارچوب، آمریکا دیگر نمی‌تواند به‌آسانی میان سیاست خارجی خود در خاورمیانه و رفاه اقتصادی شهروندانش دیوار بکشد. افزایش قیمت بنزین و گازوئیل، رشد هزینه حمل‌ونقل و فشار بر قیمت کالاها، مستقیما به زندگی خانوار آمریکایی منتقل می‌شود. درنتیجه سیاست جنگ‌طلبانه نه فقط با هزینه‌های نظامی و امنیتی، بلکه با هزینه‌های ملموس معیشتی و انتخاباتی نیز مواجه خواهد شد.

پیامد سیاسی این وضعیت را می‌توان در انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر ۲۰۲۶ آمریکا نیز مشاهده کرد. در این انتخابات، دموکرات‌ها با پیروزی گسترده کنترل هر دو مجلس کنگره و سنا را به دست آوردند و جمهوری‌خواهان با یک شکست سنگین مواجه شدند.



گزارش آسوشیتدپرس و تحلیل موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی نشان می‌دهند که جنگ با ایران، افزایش هزینه‌های زندگی و نارضایتی از عملکرد دولت، از عوامل مهم شکل‌گیری این نتیجه بوده‌اند؛ دو عامل اخیر نیز خود از پیامدهای جنگ علیه ایران و بسته شدن تنگه هرمز به دست ایران هستند. بر اساس نظرسنجی‌های خروجی حدود ۷۵ درصد از مردم آمریکا جنگ با ایران و درنتیجه آن افزایش هزینه‌های زندگی را عامل اصلی رأی خود عنوان کرده‌اند. بنابراین، می‌توان این انتخابات را یکی از مهم‌ترین هزینه‌های سیاسی جنگ برای حزب جمهوری‌خواه دانست که ایران در تنگه هرمز به آن‌ها تحمیل کرد.

انتقال شوک انرژی به بازار اوراق قرضه آمریکا

یکی از مهم‌ترین ابعاد اثرگذاری ایران بر اقتصاد آمریکا، انتقال شوک انرژی به بازارهای مالی این کشور است که سازوکار این انتقال از قیمت نفت آغاز می‌شود اما به همان جا محدود نمی‌ماند. بستن تنگه هرمز، عرضه جهانی نفت و فرآورده‌های نفتی را با محدودیت مواجه می‌کند و افزایش قیمت نفت نیز به تدریج در قیمت بنزین، گازوئیل، سوخت هواپیما، حمل‌ونقل و هزینه تولید کالاها منعکس می‌شود.

اهمیت این مسئله برای اقتصاد آمریکا از آن جا ناشی می‌شود که افزایش قیمت انرژی می‌تواند به طور هم‌زمان خطر افزایش تورم و رکود اقتصادی را به همراه داشته باشد؛ وضعیتی که در ادبیات اقتصاد کلان از آن با عنوان «شوک رکود تورمی» یاد می‌شود. از یک سو، افزایش هزینه تولید و مصرف، قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، افزایش قیمت‌ها انتظارات تورمی را تقویت می‌کند. در چنین شرایطی، بانک مرکزی آمریکا برای کاهش نرخ بهره با محدودیت بیشتری مواجه می‌شود؛ زیرا کاهش زودهنگام نرخ‌ها ممکن است انتظارات تورمی را تشدید کند.

در این میان، بازده اوراق خزانه‌داری ده‌ساله آمریکا اهمیت ویژه‌ای دارد. این نرخ، اگرچه مستقیما از سوی فدرال رزرو تعیین نمی‌شود اما یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش انتظارات بازار درباره تورم، رشد اقتصادی، نرخ‌های بهره در آینده و صرف ریســـک بلندمدت به شمار می‌رود. همچنین به عنوان نرخ مبنای بسیاری از هزینه‌های تامین مالی بلندمدت، از جمله وام‌های مسکن و اعتبارات شرکتی عمل می‌کند. با افزایش ریسک تورم و تردید درباره مسیر آتی سیاست پولی، سرمایه‌گذاران برای نگهداری اوراق بلندمدت بازده بیشتری مطالبه می‌کنند. در جریان جنگ علیه ایران نیز بازده اوراق ده‌ساله آمریکا به سطوح بالاتری صعود کرد؛ به گونه‌ای که در ماه مه ۲۰۲۶ به حدود ۴.۶۷ درصد رسید و در همان مقطع بازده اوراق سی ساله نیز به بیش از ۵.۲ درصد نزدیک شد. وزیر خزانه‌داری آمریکا نیز در آن مقطع افزایش بازده اوراق و قیمت انرژی را از پیامدهای نگرانی‌های تورمی ناشی از جنگ دانست. این افزایش بازده، به معنای گران‌تر شدن پول در اقتصاد آمریکاست، دولت برای استقراض جدید باید هزینه بیشتری بپردازد، شرکت‌ها با نرخ‌های بالاتری تامین مالی می‌کنند و خانوارها نیز از طریق افزایش نرخ وام مسکن و سایر اعتبارات تحت فشار قرار می‌گیرند. به این ترتیب، شوک ناشی از تنگه هرمز از بازار انرژی به بازار بدهی و سپس به کل ساختار تامین مالی اقتصاد آمریکا منتقل می‌شود.